

فصل‌نامه‌ی علمی زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

س ۱۲، ش ۴ (پیاپی ۲۸)، زمستان ۱۴۰۰

شاپا: ۲۲۵۱-۸۴۵۷ صص: ۹۳-۱۰۸

بازتاب نظریه‌ی رفتار اجتماعی «پیتربلاو» در سروده‌های مهدی اخوان ثالث

ستاره نژاد پرور

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران

حسین پارسایی (نویسنده‌ی مسئول)

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران

مهرعلی یزدان‌پناه

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران

چکیده

جامعه‌شناسی یکی از رشته‌های در خور توجه در میان مطالعات بینارشته‌ای است که همگامی خوبی با ادبیات برقرار می‌کند. یکی از نظریه‌های جامعه‌شناسانه، رویکرد پیتربلاو است که بر اساس نظریه‌ی مبادلات اجتماعی بیشتر رفتارهای افراد را شکل می‌دهد و هر فرد، طی تعامل با افراد دیگر، چهار گام را پشت سر می‌گذارد. مهدی اخوان ثالث از جمله شاعرانی است که در درجه‌ی اول، به تصویر کشیدن مفاهیم اجتماعی و سپس، ارزش‌های اخلاقی و تعلیمی افراد جامعه را سرلوحه‌ی مضامین سروده‌های خود قرار داده است. در این پژوهش محورهای نظریه‌ی پیتربلاو در سروده‌هایی با محورهای تعلیمی، اخلاقی و اجتماعی اخوان ثالث منعکس شده تا به پرسش‌هایی درباره‌ی چگونگی بازتاب رفتار اجتماعی در آنها پاسخ داده شود. نتایج نشان می‌دهد که طبق خوانش بلاوی، اخوان به عنوان شاعری آرمان‌گرا طی مبادلات اجتماعی خود با مردم سعی می‌کند به کمک تبادل بین فردی، ارزش‌های اخلاقی و انسانی افراد را بیدار کند، سپس با ایجاد تمایز میان گروه هم‌فکرانش در یک جبهه، و مخالفانش در جهت دیگر و دادن حق محکومیت و مشروعیت به این دو گروه، و نشان دادن راه پر منفعت از راه زیانبار، آگاهی بخشی خود را نسبت به افکار اخلاق‌مدارانه و تعلیمی هم‌وطنانش قوت ببخشد.

واژگان کلیدی: رفتار اجتماعی، پیتربلاو، شعر اخلاقی و تعلیمی، ارزش‌های انسانی، مهدی

اخوان ثالث

Email: s.nezhadparvar@qaemiau.ac.ir

h.parsaei@Qaemiau.ac.ir

m.yazdanpanah@Qaemiau.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۱۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶

۱- مقدمه

انسان اجتماعی برای رسیدن به اهداف زندگی جمعی، باید پایه‌ها و ارکان جامعه را تثبیت و تقویت کند، تا جامعه‌ای متحد شکل بگیرد. نگاهی گذرا به تاریخ نشان می‌دهد که زندگی بشر در جوامع مختلف، همیشه بر اساس مجموعه‌ای از قواعد اخلاقی و مناسبات معین، نظم و نسق یافته و می‌توان همواره آن را واجد سبک دانست. «سبک زندگی اخلاق مدارانه، علاوه بر اینکه دلالت بر ماهیت و محتوای خاص تعاملات و کنش‌های اشخاص در هر جامعه دارد و مبین اغراض، نیت، معانی و تفاسیر فرد در جریان عمل روزمره است، نشان‌دهنده‌ی کم و کیف نظام باورها و ارزش‌های افراد نیز خواهد بود» (فاضل قانع، ۱۳۹۲: ۹). با چنین زمینه‌ای، تحولات ادبی در زمینه‌ی شعر و نثر فارسی رخ داد. در نتیجه، با کوشش عده‌ای که آنان را نوگرا یا نوپرداز می‌خواندند، میان شعر امروز و شعر دیروز تمایزهایی پدید آمد.

زمانی که هر کشوری با استعمار و استبداد و حفقان روبه‌رو می‌شود، هر کدام از اقشار ملت، به نوعی در مقاومت علیه این اوضاع شرکت می‌کنند؛ برخی با سلاح، برخی با فکر و زبان و برخی با زبان شعر. شعر معاصر به خاطر ظرفیت‌ها و شرایط موجود، آینه‌ی تمام‌نمای دغدغه‌ها و دردهای اجتماعی است. علاوه بر این، «ادبیات تعلیمی نیز پهنه‌ی وسیعی از ادبیات را در برمی‌گیرد. ادبیات تعلیمی و ارشادی مجموعه‌ای از اندیشه‌های دینی، اخلاقی، انتقادی، اجتماعی و ... است که هدف آن، نمایاندن راه درست و تحذیر از راه خطاست و «تیکبختی انسان را در بهبود منش اخلاقی او می‌داند و هم خود را متوجه پرورش قوای روحانی و تعلیم اخلاق انسانی می‌داند» (مشراف، ۱۳۸۹: ۹).

مهدی اخوان ثالث، یکی از شاعران متعهد و صاحب سبک در شعر معاصر است که نقش خود را با مطرح کردن موضوعاتی پر بسامد در آثار خویش، از جمله «سختی‌ها و مصائب روزگار، آزادی و اسارت، حق‌خواهی و ظلم‌ستیزی و سایر ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی پررنگ‌تر نموده است. او به دلیل تلاش‌های فراوان در مقام تقریر حقیقت و تقلیل مرارت‌های انسان‌ها و در عین حال، حفظ ارزش‌های انسانی، اخلاقی و اجتماعی؛ شایسته‌ی این توجه می‌باشد. به همین علت، واکاوی اندیشه‌ها و سبک و سیاق مضامین شاعرانه‌ی وی، با رویکردی به نظریه‌ی «رفتار اجتماعی» (تبادلی) پیتربلاو، می‌تواند گام موثری در شناخت مضامین سروده‌های این شاعر درآشنا و کیفیت توجه او به رفتار اجتماعی مردم در برابر ارزش‌های اخلاقی، دینی و اجتماعی باشد.

۱-۱- روش تحقیق

طی دهه های اخیر، بررسی منتقدانه ی آثار ادبی، مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته و آثار پراکنده ای در این زمینه ها نوشته شده است. با وجود این، بررسی های موجود، پاسخ گوی حجم عظیم متون ادبی معاصر نیست و بسیاری از آثار ادبی منظوم، هنوز جای کارهای منتقدانه برایشان خالی است. از آنجا که اشعار مربوط به اخوان ثالث، جزء پیکره ی تنومند اشعار معاصر محسوب می شود و به شدت تحت تاثیر تنش ها و رویدادهای سیاسی و تاریخی و دینی و عواطف اجتماعی قرار دارد، بنابراین محتوای اشعار وی می تواند دستخوش تحولات بزرگی شده باشد که جای تأمل و بررسی دارد. در پژوهش حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است، ابتدا به کمک منابع کتابخانه ای و اینترنتی، به فیش برداری از منابع توصیفی پرداخته ایم و سپس در مرحله ی بعدی، با واکاوی و جداسازی سروده هایی با محورهای اخلاقی، تعلیمی و اجتماعی در دفاتر شعری اخوان، به تحلیل محتوای داده ها و بازتاب نظریه ی پیتر بلاو در این سروده های جمع آوری شده پرداخته ایم.

۱-۲- پیشینه تحقیق

- در باب بازتاب نظریه ی پیتر بلاو می توان به آثار زیر اشاره کرد:
- بازخوانی جامعه شناختی نظریه بلاو در شعر سیداشرف گیلانی (نسیم شمال): نوشته ی رنجبر و صفایی. در نشریه ی جامعه شناسی تاریخی سال ششم. پاییز و زمستان ۱۳۹۳.
 - جایگاه مفهوم ارزش در نظریه ی مبادله ی اجتماعی: آرای هومنز و بلاو: نوشته ی حبیب احمدلو. در چهارمین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم اجتماعی. ۱۳۹۴
 - بررسی نقش نظریه جامعه شناختی مبادله اجتماعی در سازمانها: نوشته ی محمدعلی زکی. چهارمین کنفرانس بین المللی مدیریت. ۱۳۸۵.
 - کاربرست نظریه مبادله اجتماعی در توسعه فرهنگ مطالعه: نوشته ی محمود سالاری. نشریه ی تحقیقات اطلاع رسانی و کتابخانه های عمومی (پیام کتابخانه سابق) «تابستان ۱۳۹۵».
- اما تاکنون پژوهشی در زمینه ی بازتاب این نظریه در سروده های اخوان ثالث صورت نگرفته است.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- خوانش رفتار اجتماعی از نظر پیتر بلاو، بر پایه‌ی نظریه‌ی تبدالی:

پیتر بلاو در سال ۱۹۶۴ میلادی با انتشار کتاب «مبادله و قدرت در زندگی اجتماعی» معتقد بود سطح ارتباط افراد یکسان نیست، بلکه در ارتباط دو سویه، برخی در مقام پایین و برخی دیگر در مقام بالا قرار می‌گیرند. «او ساختارهای اجتماعی را بر اساس تحلیل فرایند اجتماعی تبیین می‌کند» (ریترز، ۱۳۸۶: ۴۴۵-۴۳۵). او همه‌ی رفتارهای افراد را از دریچه‌ی یک مبادله می‌نگرد. طبق نظر وی، «بر اساس این مبادله است که بیشتر رفتارهای افراد شکل می‌گیرد» (آزادی ارمکی، ۱۳۸۱: ۲۵۸). بر اساس این نظریه، هر فرد، طی تعامل با افراد دیگر، چهار گام را پشت سر می‌گذارد. این چهار گام، از تبادل شخصی آغاز و به ساختار اجتماعی ختم می‌شود، که عبارتند از:

(۱) تبادلات شخصی میان مردم که نتایجی را به دنبال دارد.

(۲) تمایز در مقام و منزلت که نتایجی را به دنبال خود دارد.

(۳) سازمان یافتگی و مشروعیت که منجر به عوامل دیگری می‌شود.

(۴) بروز تحولات و دگرگونی در نتیجه‌ی مخالفت (ریترز، ۱۳۸۶: ۴۵۶-۴۵۵).

«بر اساس این نظریه، هر یک از افراد جامعه، در جریان تبادلات و پیوندهای اجتماعی، در گروه‌هایی قرار می‌گیرند که پاداش نصیب آن‌ها شود. به واسطه‌ی این پاداش، پیوند اجتماعی آن‌ها محکم می‌شود. اما اگر این افراد به عنوان اعضای جامعه، در فرایند همین معاملات تبدالی، هیچ گونه پاداشی در مقابل کنش خود مشاهده نکنند، رشته‌ی پیوند و تعاملات آن‌ها سست و از هم گسیخته خواهد شد» (همان: ۴۵۶).

بلاو، بیشتر توجه خود را معطوف به بررسی رفتارها و تعاملات افراد در گروه‌های بزرگ اجتماعی و تاثیر این رفتارها در شکل‌گیری تمایز و گروه‌بندی اجتماعی قرار داده است. او معتقد است «برای فهم فرهنگ، نیازی به مفاهیمی چون افکار و ارزش‌ها نداریم، بلکه به درک پدیده‌هایی چون پاداش‌ها و خسارات نیازمندیم» (همان: ۴۰۵). بر این اساس، فرد بر حسب آموزه‌های پیشین خود، از همان آغاز می‌آموزد که در برابر هر کنشی، واکنش خاصی نشان دهد؛ مثلاً اگر در مقابل کنش خود، پاداشی کسب کند، احتمال تکرار آن عمل از سوی فرد زیاد است، اما بر عکس، اگر مجازاتی در پی کنش خود کسب کند، احتمال تکرار آن کنش بسیار کم است. در واقع، هر فرد به عنوان یک کنشگر، تابع رفتار و عکس‌العمل‌هایی است که محیط برای او رقم می‌زند. این محیط می‌تواند به شیوه‌های گوناگون بر رفتار شخص تاثیر گذار باشد.

۲-۲- بازتاب نظریه ی پیتر بلاو بر سروده های اخلاقی و اجتماعی اخوان

ثالث:

چهارگامی که طبق نظریه ی بلاو، هر فرد در تعامل با دیگری پشت سر می گذارد و باید اشعار اخوان را طبق خوانش بلاوی، در این طبقه بندی جای دهیم، به شرح زیر می باشد:

۲-۲-۱- گام نخست: تبادل بین فردی:

نخستین مرحله در نظریه ی تبادل بلو، تبادلات شخصی میان مردم است. در این مرحله، باید آگاهی بخشی اجتماعی صورت بگیرد که این عمل، تنها از طریق تبادلات بین فردی است. این تبادل آغازین باید منجر به دگرگونی و تحول اجتماعی شود. «اخوان معتقد است که شاعر نباید خود را از جامعه جدا انگارد، بلکه باید کارکرد اجتماعی و اخلاقی را سرلوحه ی وظایف خویش قرار دهد» (کاخ، ۱۳۷۱: ۲۵۲). او هرگز خود را جدا از تعهد به مردم جامعه احساس نمی کند. او خود را مانند رهبری آگاه، موظف به هدایت و آگاهی بخشی هم نسلانش می داند.

الف. تبادل بین فردی در سروده های تعلیمی و اخلاقی اخوان ثالث :

شعرهای اخوان را می توان در رده ی اشعار تعلیمی نیز جای داد، زیرا شعر او مخاطب محور است. اخوان در بخشی از سروده های خود، احساسات و عواطف را در خدمت تعلیم اخلاق قرار می دهد. هدف اصلی وی در این بخش از سروده ها، بازنمود فرهنگ، اخلاق، دین و درون مایه های جامعه ی خویش به زبان ادبی است و رسالت یک شاعر هم نشان دادن مسائلی است که ضرورت دارد.

همان گونه که بلاو در مرحله ی اول، از معاملات تبدالی شخصی میان مردم نام می برد، اخوان طی مبادلات شخصی خود با مخاطبانش، با افتخار، خود را به نمایندگی از مردم، معتقد به اراده ی حق تعالی می داند و با اشاره به آیه ی ۸۲ سوره ی یاسین، مخاطبان را به قدرت و اراده ی بی چون پروردگارش آگاه می سازد، تا از طریق تبادلات بین فردی، مولفه های دینی و اعتقادی را به عنوان سبک زندگی، با هدف ایجاد دگرگونی در آن ها، پیش روی مخاطبانش قرار دهد:

آنکه در روز ازل گفت جهان را شو و شد وانکه زینگونه بفرماید و فرمود تویی
آمر کن فیکون هستی و خواهی بودن آفریننده ی هر باشد و هر بود تویی
(اخوان، ۱۳۸۹: ۱۷۳)

شاعر در بیت زیر نیز با یادکردی از رسول خدا (ص)، سعی کرده مخاطبان را به لزوم تلاش و کوشش جهت رسیدن به اهداف مطلع و آگاه سازد:

باور مکن بدون چهل سال ارتیاض بیخود کسی محمد مرسل نمی شود
(اخوان، ۱۳۸۸: ۴۱)

شعرویی، نه تنها منعکس‌کننده‌ی شرایط اجتماعی دوران‌ش هست، بلکه بازنمودی از فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی به عنوان بخشی از سبک زندگی نیز هست:

«صلحیم، صلح کل، من و دل عمری ست خلق جهان چه پیر، چه برنا را»
(اخوان، ۱۳۸۹: ۱۲۱)

شاعر با استناد به آیات الهی، گام بزرگی جهت بیداری مردمان برمی دارد تا آنها را به ارزش‌های اخلاقی همچون پایبندی به نیکی و دوری از گناه دعوت کند:

ز بدی به نیکی گرای ز چه گناهان برای بشنو که گوید خدای و هو الرحیم الغفور
(همان: ۱۱۰)

شاعر از تمهیدات گوناگونی برای ارائه‌ی پیام‌های تعلیمی گوناگون در آثارش بهره برده است. او اغلب با بیانی سرراست و مستقیم به بیان آموزه‌های تعلیمی پرداخته است. مثلاً پیرامون مباحث فلسفی و زندگی می گوید:

«زندگی افسانه‌ی حقیقت مرگ است وینت حدیث مکرری که قدیم است»
(اخوان، ۱۳۸۹: ۴۵)

شاعر به بی اعتباری جهان (همان: ۲۷ و ۴۴)، اغتنام فرصت (همان: ۴۴ و ۴۵) و توجه به گذر عمر (همان: ۱۹۳) نیز در قالب اشعار تعلیمی توجه داشته است و در آنها سبک زندگی را با نگاهی تعلیمی به مخاطبانش نشان می دهد تا به کمک این آموزه‌ها، آگاه و بیدار شوند.

ب. تبادل بین فردی در سروده‌های اجتماعی اخوان ثالث:

اخوان در نگاهی دیگر، با برانگیختن احساسات ملی و وصف تمدن گذشته‌ی ایران، ملت خود را بیدار و آگاه می سازد و وطنش را در قرن معاصر، پیش روی مخاطبانش، با حسرت و در عین حال، تفاخر، این گونه معرفی می کند:

«ما فاتحان قلعه‌های فخر تاریخیم/ شاهدان شهرهای شوکت هر قرن/ ما یادگار عصمت غمگین اعصاریم/ ما راویان قصه‌های شاد و شیرینیم/ قصه‌های آسمان پاک»
(اخوان ثالث، ۱۳۷۶: ۳۴).

او با به کارگیری قهرمانان فناپذیر اسطوره‌های گذشته، به آگاه کردن و بیداری مردم می پردازد و نوعی حرکت برای تغییر وضع کنونی را در مردم ایجاد می کند، که شما هم از جنس و هویت همان قهرمانان و قیام‌کنندگان اسطوره‌ای هستید و با این تبادل آغازین، منجر به دگرگونی و تحول اجتماعی شود تا قیام علیه باطل را به عنوان یک اصول و سبک

زندگی در سروده هایش به جریان بیندازد :

«پور زال زر، جهان پهلو/ آن خداوند و سوار رخس بی مانند/ آن که نامش چون
همآوردی طلب می کرد/ در به چار ارکان میدان های عالم لرزه می افکند/ آن که بر
رخشش تو گفתי کوه بر کوه است در میدان ...» (اخوان ثالث، ۱۳۷۶: ۳۱۳).
در هر دوران، شاعر با مخاطبان خاصی ارتباط پیدا می کند که خوانندگان، متاع قریحه
ذوق او محسوب می شوند. شعر اخوان سرشار از این گونه احساسات صلح طلبانه و اخلاق
مدارانه است و هدفش در نهایت، بیداری و آگاهی مردم برای اندکی تحول و دگرگونی
درونی است. اخوان در شعر زیر، ملت را «آزاد» می خواند تا بار سنگین اسارت در زنجیر
استبداد و خفقان وطن را به مردم یادآوری کند و همگان را دعوت می کند که بیدار باشند
و نگهبان:

«از زبان گرگ/ بنوش ای برف، گلگون شو بر افروز/ که این خون، خون ما بی خانمان
هاست/ که این خون، خون ما گرگان گرسنه است/ که این خون، خون فرزندان صحراست/
درین سرما گرسنه، زخم خورده/ دویم آسوده سر بر برف چون باد/ ولیکن عزت آزادی را/
نگهبانیم و آزادیم، آزاد!» (اخوان ثالث، ۱۳۷۶: ۶۹).

غالب اشعار اخوان- چه اشعار تعلیمی و چه اشعار اجتماعی - تمثیلی و نمادین است.
«در آن دوره که یکی از تاریک ترین دوران تاریخ معاصر ایران به شمار می رود، شاعران
متعهد و درد آشنا مجبور بودند زبانی نمادین برای بیان مسائل اجتماعی و انعکاس آن ها
برگزینند که یکی از آن ها مهدی اخوان ثالث بود» (پارسا، ۱۳۸۸: ۳۷). اخوان در سروده
های تعلیمی خود نیز از زبان رمزی و نمادین بهره برده است.

بنابراین، اخوان، برای ایجاد تبادل فرد با فرد، تصاویری از اوضاع نامساعد و یاس آلود
جامعه را ترسیم می کند و یا با بیان ارزش های اخلاقی و تعلیمی، همچون خداپاوری ،
صلح، اغتنام فرصت و و همچنین نشان دادن مولفه های سبک زندگی اجتماعی مانند
افتخار به هویت ایرانی و ارزش دفاع از میهن و ...، سعی می کند تا طی مبادلات اطلاعاتش
با مخاطبان، اطلاع رسانی کند تا ذهن ها باز شوند و در تاریکی محیط کور نمانند.

۲-۲-۲- گام دوم: تمایز در مقام و منزلت:

جامعه ی امروز از معضلی به نام فاصله ی طبقاتی رنج می برد که آن ناشی از بی عدالتی
در برخی سطوح جامعه ی اجتماعی و فردی است. توزیع نابرابر ثروت و امکانات در بین
مردم و عدم رعایت قوانین عادلانه در این زمینه، سوء استفاده از اموال عمومی و بیت المال،
نظام غیرعادلانه ی حقوق، فاصله گرفتن مسئولین از مردم، فراموشی مرگ و قیامت،
خودنمایی، تقلید کورکورانه و چشم و هم چشمی، بروز تشریفات و ترویج فرهنگ بیگانه

را از مهم‌ترین عوامل بروز تفاوت طبقاتی می‌توان اشاره نمود. شاعر، نقد خود را نسبت به این موضوع، با ابزارهای مختلف شعری بیان می‌کند.

الف. نشان‌دادن تمایز در مقام و منزلت در سروده‌های اجتماعی اخوان ثالث:

بر اساس نظریه‌ی بلاو، ارتباط افراد جامعه با یکدیگر متفاوت است. در واقع، همیشه گروهی در مقام فرادست و گروهی در مقام فرودست قرار می‌گیرند، یعنی در این مبادله، «بعضی بیشتر منتفع می‌شوند و در مقابل، برخی کمتر بهره و سود می‌برند و مجبورند هزینه‌های بیشتری را متقبل شوند» (ریترز، ۱۳۸۶: ۴۳۵) اخوان ثالث نیز در مقام شاعری خود، با نشان دادن پیوندها و تعاملات گروه‌های مختلف، تعارضات تمایز در منزلت و مقام را آشکارتر می‌کند.

اخوان افرادی که در جبهه‌ی مقابلش قرار دارند را در مقام عنکبوتی زورگو می‌خواند که اگرچه دیگران را در تار خود گرفتار می‌کند، اما خود نیز محبوس زندان خویش می‌شود و خودش را در مقام پرده‌ای آزاد، در مقابل این عنکبوت می‌بیند و این گونه تمایز در مقام و مرتبه را نشان می‌دهد:

«من نتوانم چون شما عنکبوت شد / کولی شوریده سرم من، پرنده ام» (اخوان، ۱۳۷۹:

۵۶)

جناح، «مجموع گروه یا گروه‌هایی است که با اهداف و دیدگاه‌های مشترک در کوتاه مدت و یا بلند مدت به منظور رقابت و کسب قدرت سیاسی، در داخل یک حکومت یا حزب گرد هم می‌آیند» (جمال‌زاده، ۱۳۸۲: ۳۸). اخوان، این جناح‌ها را عاملی برای آسیب دیدن می‌داند و از اعمال قدرت آنها انتقاد می‌کند. در شعر زیر که شاعر، ضمن آگاهی بخشی از اوضاع سرد و بی‌روح جامعه، از روزگار دو گروه سخن می‌گوید:

(۱) گروه اول: گروه خود شاعر:

«زمین سرد است و برف آلوده و تر / هوا تاریک و طوفان خشمناک است / کشد مانند گرگان باد، زوزه / ولی ما نیک بختان را چه باک است؟ / ... / بلای نیستی، سرمای پرسوز / حکومت می‌کند بر دشت و بر ما / نه ما را گوشه‌ی گرم کنای / شکاف کوهساری سرپناهی / نه حتی جنگلی کوچک که بتوان / در آن آسوده بی‌تشویش گاهی / دو دشمن در کمین ماست دائم / دو دشمن می‌دهد ما را شکنجه / بروم سرما درون این آتش جوع / که بر ارکان ما افکنده پنجه» (اخوان، ۱۳۷۹: ۶۸ و ۶۹).

(۲) گروه دوم: مخالفان و مقابلان شاعر (مرفهان بی‌درد):

کنار مطبخ ارباب آن جا / بر آن خاک اره‌های نرم خفتن / چه لذت بخش و مطبوع است و آن گاه / عزیزم گفتن و جانم شنفتن. / ... / چه عمر راحتی دنیای خوبی / چه ارباب

عزیز و مهربانی ... » (همان).

شاعر در این شعر، طبق اندیشه ی بلاوی، مخالفان خود را در گروهی نشان می دهد که متأسفانه علیرغم زور و جوری که دارند، بیشتر منتفع می شوند و گروه خودشان که محروم واقع شده اند، مجبورند هزینه های بیشتری را متقبل شوند و این یعنی همان استبداد.

در بیت زیر نیز شاعر با قرار دادن دو گروه رزمندگان و صدام، سعی کرده تقابل را در تصویرسازی نشان دهد:

«کنون بنگر به خوزستان چو نیش و چنندش به خون آلوده کارونش به بهمن شیر و ارونش»
(اخوان، ۱۳۸۹: ۶۱)

ب. نشان دادند تمایز در مقام و منزلت در سروده های اخلاقی و تعلیمی اخوان ثالث:

شاعر در شعر «فریاد» نیز با ترسیم دو گروه در دو مقام و منزلت متمایز، قصد نشان دادن ارزش های اخلاقی همچون توجه به احوال مردم و عدم غفلت در برابر آنها را دارد. در این شعر نیز مانند شعر فوق، شاعر گروه مرفهین بی درد و بی دغدغه ی اجتماع را در مقابل گروه خودش که درد اجتماع را به جان می خرد و به دنبال آزادی ملت هستند قرار می دهد و از این تمایز و فاصله طبقاتی که بینشان قرار گرفته و کاملاً بی رحمانه است، فریاد سر می دهد:

«خانه ام آتش گرفته ست، آتشی جانسوز / ... / خفته اند این مهربان همسایگانم شاد در بستر / صبح از من مانده بر جا مشت خاکستر / وای آیا هیچ سر بر می کنند از خواب»
(اخوان، ۱۳۷۹: ۷۸)

«هنرمند کسی است که می تواند جهان خود را در اثری که متعلق به زمانی خاص و با این همه جاودانی باشد، بیان کند؛ اثری که به نوبه ی خود طنین هایی را برانگیخته سازد و به خصوص هیجانات و عقاید و رفتارهای تازه را موجب شود» (وفایی، ۱۳۸۷: ۴۰۳). اخوان مردمان گروه مقابلش را در قالب همان همسایگانی به تصویر می کشد که برای نجات ملت، هیچ اراده و حرکتی ندارند و از دور، شاهد اسارت و بدبختی مردم هستند و هیچ واکنشی از خود نشان نمی دهند.

از دریچه ی ارزش های اخلاقی، او از چپاولات، بی رحمی ها، بی تفاوتی ها و بی مسئولیت های انسان های اطراف خود به عنوان گروه مقابل سخن می گوید و افرادی که از این پلیدی ها به دور هستند را در گروه خود معرفی می کند.

۲-۲-۳- گام سوم: سازمان یافتگی و مشروعیت:

بلاو معتقد است هر چه هنجارهای مشروع در یک مبادله، کمتر تحقق یافته باشد،

گروهی که در طرف محروم قرار دارند، آمادگی بیشتری جهت محکوم کردن آن‌هایی که نقض هنجار می‌کنند، دارند (ریترز، ۱۳۸۶: ۴۵۴ و ۴۵۵).

الف. بازتاب سازمان یافتگی و مشروعیت در سروده‌های اخلاقی و تعلیمی اخوان ثالث: اخوان بهترین روشی که برای بیان دغدغه‌های خود چه دغدغه‌های ارزشی و اخلاقی و چه دغدغه‌های اجتماعی - انتخاب کرد، روی آوردن به سمبولیسم (یا نمادگرایی) و تمثیل پردازی بود. او بارها از انسان‌های معاصر گلایه دارد که چرا ارزش‌های اخلاقی و انسانی را زیر پا لگدمال می‌کنند و به راحتی از آن می‌گذرند. او با افسوس، از کینه‌توزی‌ها و ارزش‌های اخلاقی ازدست رفته که دنیا (دریا در معنای نمادین دنیای کنونی) را تیره و تار کرده شکوه می‌کند و آنان را بازخواست می‌کند:

خشکید و کویر لوت شد دریامان امروز بد و از آن بتر فردامان
زین تیره دل دیو صفت مشتی شمر چون آخرت یزید شد دنیامان

(اخوان، ۱۳۹۰: ۹۶)

ب. بازتاب سازمان یافتگی و مشروعیت در سروده‌های اجتماعی اخوان ثالث: زبان تمثیلی و بیان سمبولیک که بعدها یکی از ویژگی‌های شعر نیما شد وسیله‌ی بسیار مناسبی برای ابراز اندیشه‌های انتقادی و انقلابی در دوران اختناق بوده است (آژند، ۱۳۸۳: ۵۲-۱۴۵). جریان شعر سمبولیسم اجتماعی فارسی در ایران این‌گونه بوده است که خود را در برابر مسائل و مفاهیم سیاسی و اجتماعی و آرمان‌ها و آرزوها و درد و دریغ‌های انسانی متعهد می‌دانسته و جامعه‌گرایی از ویژگی‌های محوری و بنیادین این شعر بوده و هدف آن بالا بردن ادراک و بینش اجتماعی است و غالباً پیامی اجتماعی و انسانی در آن بازگو می‌شود (شمیسا، ۱۳۸۰: ۲).

فضای خفقان آلود پس از کودتای سال ۳۲، شرایط را برای ظهور این نوع گرایش فراهم کرد. «دوره‌ی اوج این گرایش، دهه‌ی سی و چهل است» (زرقانی، ۱۳۸۳: ۵۳۳). او در اشعار تمثیلی خود، چهره‌ی حکومت استبدادی دوره‌ی پهلوی دوم وابسته به استعمار انگلیس و آمریکا را به کمک تمثیل و نماد ترسیم کرد و آن‌ها را طبق نظریه‌ی بلاو، محکوم به نقض هنجارهای انسانی می‌کند. او در قالب نماد و تمثیل، استعمارگران را «دزدان دریایی» می‌نامد که به شهر شاهزاده حمله کرده‌اند و این حادثه تمثیل همان حادثه‌ی کودتای ۲۸ مرداد است که اخوان چهره‌ی منفور دشمنان را این‌گونه به تصویر می‌کشد:

«بلی به جای آورم او را، هان/ همان شهزاده بیچاره است او که شبی دزدان دریایی/ به شهرش حمله آوردند .../ بلی دزدان تر دریایی و قوم جاودان و خیل غوغایی/ به شهرش

حمله آوردند» (اخوان، ۱۳۸۵: ۲۱).

شعر فوق، شعر «قصه ی شهر سنگستان» از دفتر «از این اوستا» است که شاعر به اعمال و کردار زشت استعمارگران در جامعه ی ایران اشاره می کند. طبق خوانش بلاوی، از آن جا که در عصر اخوان، هنجارهای مشروع و سازمان یافته بین ایران و کشورهای استعمارگر از جمله آمریکا و انگلیس، تحقق پیدا نکرده بود، یکی از طرفین (ایران) که محروم و مظلوم (مورد ستم) قرار گرفته بود، شروع به محکوم کردن اعمال زشت طرف دیگر (آمریکا) که ظلم از جانب آن هاست.

«قصه ی شهر سنگستان»، در فضایی حماسی و تمثیلی بیان می شود و «از بهترین اشعار موفق شعر فارسی است» (دستغیب، ۱۳۷۳: ۲۲۸) که اخوان در آن، اعمال زورگویانه و مستبدانه ی استعمارگران را روایت

می کند، تا بتواند با به تصویر کشیدن ناهنجارهای طرف مقابل، علل محرومیت خود را در این مبادله جلوه گر کند.

یکی دیگر از اشعاری که اخوان در این حال و هوا سروده، شعر «زمستان» است که همه ی تصاویر شعر، نشان دهنده ی نگرش اعتراضی شاعر نسبت به حال و هوای حاکمیت استبدادی بعد از کودتاست. علاوه بر این، شاعر در این شعر، از کسانی که در این سرما (خفقان) سرشان در لاک خود است و جز پیش پای خودشان را نمی توانند ببینند، با قاطعیت انتقاد می کند:

«سلامت را نمی خواهند پاسخ گفت/ سرها در گریبان است/ کسی سر بر نیارد کرد پاسخ گفتن و دیدار یاران کرد/ نگر جز پیش پا را دید نتواند / که ره تاریک و لغزان است/ و گر دست محبت سوی کس یازی/ به اکراه آورد دست از بغل بیرون/ که سرما سخت سوزان است...» (اخوان، ۱۳۸۶: ۱۰۹).

درحقیقت، شاعر، انسان های معاصر را که به ازدست رفتن ارزش های اخلاقی در دنیا کمک می کنند، محکوم می کند.

۲-۲-۴- گام چهارم: دگرگونی در نتیجه ی مخالفت:

طبق نظریه ی بلاو، مردم برای برقراری پیوند اجتماعی و مبادله، نیازمند به تشویق، پاداش و کسب منفعت هستند. بنابراین، اگر در کنش متقابل طرفین، هیچ گونه پاداش یا منافع متقابلی رد و بدل نشود، رشته ی پیوند میان آن ها سست و منجر به دگرگونی می شود و سرانجام، عامل برتر، از طریق انحراف پاداش یا منافع، مشروعیت خویش را به دست می آورد» (ریترز، ۱۳۸۶: ۴۵۵-۴۵۶).

الف. بازتاب دگرگونی در نتیجه ی مخالفت در سروده های اخلاقی و تعلیمی اخوان ثالث:

شاعر در شعر زیر، با نشان دادن حتمی بودن روز قیامت و ذکر کلام الهی، به همگان هشدار میدهد که عاقبت هرکس به نتیجه‌ی اعمالش خواهد رسید:

همانا در رسد روز قیامت	که ممدود است و اوصافش قرونا
چوبازار مکافات است هر مرغ	به پای خویش گردد سرنگونا
رسد ساعه به وقت و ساعتی نیست	در آن یستقدمون یستاخرونا
نه کس از جرم ما پرسد شما را	و لا نسئل عما نعملونا

(همان: ۱۶۷)

ب. دگرگونی در نتیجه‌ی مخالفت در سروده‌های اجتماعی اخوان ثالث:

در سروده‌های اخوان ثالث، با شعرهایی رو به رو خواهیم شد که آینه‌ی تمام‌نمای اوضاع اجتماعی دهه‌ی سی و چهل هستند. شعرهایی که مبنای سرودن آن‌ها «محیط تنگ و بسته خاموش است» (شاهین دژی، ۱۳۸۷: ۱۳۰). اخوان خود را موظف به هدایت هم‌نسلانش می‌داند. او در شعر «چاوشی»، سه راه را پیش روی مخاطبان قرار می‌دهد و سپس، آن‌ها را با نشان دادن پاداش، تشویق به انتخاب راه سوم می‌کند:

«نخستین: راه نوش و راحت و شادی / به ننگ آغشته اما رو به شهر و باغ و آبادی / دو دیگر: راه نیمش ننگ و نیمش نام / اگر سر برکنی غوغا و گر دم درکنی آرام / سه دیگر: راه بی برگشت، بی فرجام / ... / بیاره توشه برداریم / قدم در راه بی برگشت بگذاریم» (اخوان، ۱۳۷۹: ۱۴۴)

طبق رویکرد بلاو، اخوان طی مبادلات خود با مخاطبان، سه راه را به آن‌ها نشان می‌دهد که آمیخته با تحذیر و ترغیب است. او از طرفی، مخاطبان و هم‌نسلان خود را از قرار گرفتن در رده‌ی کسانی که جان خود را به شادی و آسایش معامله می‌کنند، همچنین کسانی که با محافظه‌کاری، آسایش جهان را در هماهنگ شدن با اوضاع غالب می‌بینند و سکوت می‌کنند، بر حذر می‌دارد و در عوض، آن‌ها را به بهترین راه (راه آزادگی) تشویق می‌کند. شاعر با نشان دادن پاداش و منفعت در راه سوم، مخاطبان خود را تشویق به پیوند اجتماعی از طریق گام نهادن در راه آزادگی و از خودگذشتگی می‌کند. او در راه دوم و سوم، تردید می‌گذارد و مخاطبان را از طریق نشان دادن بی‌منفعتی و عدم پاداش از آن دو راه دور می‌کند تا به مخالفت و تحول و دگرگونی بینجامد. و پیوندشان با آن دو راه سست شود.

اخوان معتقد است که شهر خفقان زده و بی‌تحرك او چیزی جز تنهایی برای او و هم‌نسلانش ندارد، بنابراین جهان مطلوب انسان‌ها را در سایه‌ی روابط متعالی می‌بیند. طی نظریه‌ی بلاو، او مخاطبان خود را با نشان دادن روابط متعالی به عنوان پاداش و منفعت،

به این راه تشویق می کند، اما وقتی به خودش بر می گردد، متوجه می شود که تنها و بی یار و یاور است، لذا هم وطنان خود را از این اوضاع یاس آلود با خبر می سازد، تا با نشان دادن کیفر و بی منفعتی این راه، همگان هوشیار باشند و منتظر خبر خوشی نباشند، چون خبر خوشی به عنوان سود و منفعت وجود ندارد:

«قاصدک! هان چه خبر آوردنی/ از کجا وز که خبر آوردی؟! خوش خبر باشی، اما، اما/ گرد بام و در من/ بی ثمر می گردی/ انتظار خبری نیست مرا/.../ دست بردار از این در وطن خویش غریب/ قاصد تجربه های همه تلخ/ با دلم می گوید/ که دروغی تو دروغ» (اخوان، ۱۳۸۵: ۱۳۷)

شعر «کاهو یا اسکندر» نیز نمونه ی خوبی بر این حال و هوا و اندیشه ی اخوان است که شاعر بذر امید و مقاومت را در دل خوانندگان خویش می کارد. او ضمن نشان دادن اوضاع زمانه، با گفتن جمله ی «اما جوانان مانده اند» مقاومت و پایداری در مقابل روبهان و کفتاران را توصیه می کند و با نشان دادن راه درست، آن ها را تشویق کرده و به پیوند اجتماعی می کشاند:

«مشت های آسمان کوب قوی/ واشدست و گونه گون رسوا شده ست/ یا نهان سیلی زنان یا آشکار/ کاسه ی پست گدایی ها شده ست/.../ مادرم جنباند از افسوس، سر/ هر چه از آن گوید، این بیند جواب/ گوید آخر پیرهاتان نیز هم/ گویدش اما جوانان مانده اند ...» (اخوان، ۱۳۸۵: ۱۳۵).

اخوان در شعر «زمستان» محیط تنگ و بسته، تجربه های تلخ، بی وفایی ها، پیمان شکنی ها و نابودی آرمان ها را با زبانی رمزی و تمثیلی بیان می کند. این شعر نمایانگر فضای سیاسی و اجتماعی ایران پس از شکست کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است و شاعر با نشان دادن مجازات ها و عذاب هایی که در این راه است، مخاطبان را از گام نهادن در این راه منع و تحذیر می کند:

« پس این دره ی ژرف/ جای خمیازه ی جادو شده ی غار سیاه/ پشت آن / قله ی پوشیده ز برف/ نیست چیزی، خبری/... » (همان: ۱۲۱)

یا در سروده ی معروف «باغ من» نیز احساس ناامیدی و بی اعتمادی مشابه با شعر زمستان را می بینیم که شاعر می گوید، اینجا از هیچ پاداش و منفعتی خبری نیست، پس اگر از این را بروید و دور شوید بهتر است، البته شاعر راه را نشان می دهد و مخاطبان را در مقام تخییر و تسویه نگه می دارد که اگر می خواهند بروند و اگر می خواهند بمانند، ولی چیزی عایدشان نمی شود:

«گو بروید یا نروید هر چه درهر جا که خواهد یا نمی خواهد/ باغبان و رهگذری نیست/

باغ نومیدان / چشم در راه بهاری نیست» (همان: ۱۶۷)

«بده ... بد بد راه هر پیک و پیغام و خبر بسته ست» (همان: ۱۵۲).

شاعر در بیت زیر نیز با پاداش «پس گرفتن خاک ایران» همه را عازم جبهه‌های نبرد علیه باطل می‌کند:

«ای دلیران وطن، با زنده باد ایران به پیش / شور ایمانتان فزون تر باد و زور از شیر / عنترک صدام را با دارو دسته‌ی بز دلش / بر فراز دار رقصانیم با زنجیرها / خاک خود را پس بگیرید ای دلیران وطن / از جهان خواران غرب و شرق و این اکبیرها / این دغل دوزان دشمن را برانید از وطن / با قوی تر رزم‌ها و برترین تدبیرها» (اخوان ثالث، ۱۳۸۵، ۳۵۰).

در واقع، شاعر با پیش رو قرار دادن دو مولفه‌ی سبک زندگی دینی و اجتماعی، سعی کرده مخاطبان را به کمک ترغیب و تحذیر از راه‌هایی که پیش رویشان در آینده قرار می‌گیرد، گام‌های موثری جهت امر به معروف و نهی از منکر بردارد.

۳- نتیجه‌گیری

اخوان به عنوان شاعری متعهد، با تعهد، پایداری و شایستگی، هرگز در برابر مسائل روزگارش بی تفاوت نبود؛ لذا هر چهار گام در نظریه‌ی تبدالی پیتر بلاو، در اشعار وی، قابل تطبیق است. او مضامین اغلب اشعارش را به موضوعات اجتماعی اختصاص داده است. علاوه بر این، او شاعری آرمان‌گرا بوده که به تدریج سروده‌هایش را به سوی واقع‌گرایی، انسان‌مداری و تعلیم‌گرایی اصول اخلاقی و دینی معطوف کرده است. با مشاهده‌ی ناهنجاری‌ها، کج روی‌ها، و تضاد در ارزش‌های اجتماعی و انسانی به انتقاد بر می‌خیزد و درون مایه‌ی انتقادات او را می‌توان در موضوعات اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی، دینی و ... مورد بررسی قرار داد. او به انتقاد از آسیب‌های اجتماعی، ظلم و بی‌عدالتی، نبود ارزش‌های فردی و اجتماعی می‌پردازد تا سبک زندگی اجتماعی، دینی و اخلاق مدارانه را در سروده‌های خود به مخاطبان نشان دهد.

طبق خوانش نظریه‌ی تبدالی پیتر بلاو، اخوان ثالث در سروده‌های خود، از تبادل بین فردی، آگاهی بخشی خود را نسبت به افکار هم‌وطنانش آغاز کرده و با این کار، احساسات ملی، دینی و ارزش‌های انسانی افراد را برای مقاومت در برابر استعمارگران و مبارزه علیه آن‌ها بیدار می‌کند. بعد از بیدارسازی افراد در گام نخست نظریه‌ی بلاو، درصدد نشان دادن وجوه تمایز در مقامات طرفین موجود در دو جبهه‌ی مخالف است. نشان دادن این گونه تمایزات نیز کوششی دیگر در جهت بیداری مردم است او در این گام، خودش و هم

فکرانش را در یک جبهه، و مخالفان و را در جهت دیگر، با وجوه متفاوت و متنوع به نمایش می گذارد. در گام بعدی، پس از نشان دادن دو طبقه ی مظلوم (محروم) و ظالم (مستبد)، حال، قضاوت می کند و حتی این قضاوت را به عهده ی مخاطبان نیز می گذارد تا بگویند حق مشروعیت با طبقه ای است که ضرر کرده اند، بنابراین، این گروه حق محکومیت گروه مقابل خود را دارند، تا اعمال زشت آن ها را به تصویر بکشند. در این مرحله از افراد غافلی که ارزش های انسانی را زیر پا می گذارند نیز به تندی انتقاد می کند. سرانجام، در گام پایانی، سود و ضرر را در مبادلات، به رخ افراد می کشد تا بتوانند راه درست و پر منفعت را از راه زیانبار تشخیص دهند و به نوعی راهبر آن ها در تشخیص سبک درست زندگی است تا صلاح را از غیر صلاح تشخیص، و امر به معروف و نهی از منکر کرده باشد.

فهرست

- ۱- آژند، یعقوب، (۱۳۸۳). **انواع ادبی در ایران امروز**، تهران: نشر قطره.
- ۲- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۱). **نظریه های جامعه شناسی**. تهران: سروش.
- ۳- آودسیان، سونا. (۱۳۸۷). **نقد اجتماعی در مجموعه آثار فرخزاد و اخوان ثالث**. رساله ی دکتری. دانشگاه تهران.
- ۴- اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۸۹). **تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم**. تهران: زمستان.
- ۵- ----- (۱۳۹۰). **از این اوستا**. تهران: زمستان.
- ۶- ----- (۱۳۹۱). **ارغنون**. تهران: زمستان.
- ۷- پارسا، سید احمد. (۱۳۸۸). «تحلیل و بررسی سروده های "نادر یا اسکندر" اخوان ثالث». **مجله ی بوستان ادب دانشگاه شیراز**. دوره ی ۱. ش ۱. پیاپی ۱-۵۵. ص ۳۷.
- ۸- تسلیمی، علی. (۱۳۸۳). **گزاره هایی در ادبیات ایران: شعر**. ج ۱. تهران: اختران.
- ۹- جمال زاده، ناصر، (۱۳۸۲). **اصطلاحات سیاسی**، تهران: انتشارات پارسایان.
- ۱۰- دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۷۳). **نگاهی به مهدی اخوان ثالث**. ج ۲. تهران: مروارید.
- ۱۱- ریترز، جورج. (۱۳۸۶). **نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر**. ترجمه ی محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- ۱۲- زرقانی، مهدی. (۱۳۸۲). **چشم انداز شعر معاصر**. تهران: ثالث.
- ۱۳- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۰). **نقد ادبی**. تهران: انتشارات فردوس.
- ۱۴- فاضل قانع، حمید (۱۳۹۱). «نقش و جایگاه سبک زندگی در فرآیند شکل

- گیری تمدن نوین اسلامی؛ مجموعه مقالات پانزدهمین جشنواره بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسی؛ قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۷۳-۱۹۳.
- ۱۵- کاخی، مرتضی. (۱۳۷۱). صدای حیرت بیدار. تهران: زمستان.
- ۱۶- وفایی، عباسعلی، (۱۳۸۷). درنگی بر نظریه‌ی ادبیات متعهد و پایداری، تهران: انتشارات سخن.